

Challenges of restoration of Dignity in Iranian quasi-judicial bodies

Javad Mahmoudi¹, Nader Asadi²

Assistant Professor, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

Email: javadmahmoudi55@yahoo.com

PhD student in Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email: naderasadioojagh@gmail.com

Abstract

Quasi-judicial bodies have diagnostic, supervisory, interrogative and prosecution functions. It is within the competence of the recent authorities to prosecute the relevant employees or affiliates of the union. Although their follow-up authority leads to the establishment of organizational and trade union order and justice in the non-judicial sector, the violation of the relevant rulings in the review or appeal process by the competent institutions raises this question. What happens in that case, the reputation, credibility and status of the employee and the member of the beneficiary union and his employment and union rights? Can the restoration of prestige in accordance with the Constitution and criminal texts about recent persons be invoked or not? What is the position of the laws and regulations governing the quasi-judicial authorities in this regard? In the present study, through a descriptive and analytical study inspired by the current procedure in the relevant criminal law, the restoration of prestige in the prosecution quasi-judicial authorities is investigated. The hypothesis is that in the absence of specification, the legal establishment of those authorities, the fairness of the proceedings and some of the requirements set out in the general policies of the administrative system are overshadowed.

Keywords: Restoration of Dignity, quasi-judicial bodies, Administrative Law.

چالش های اعاده حیثیت در مراجع شبه قضایی ایران*

دکتر جواد محمودی^۱، نادر اسدی^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: javadmahmoudi55@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه: naderasadioojagh@gmail.com

چکیده

مراجع شبه قضایی به انواع انشائی، ترافعی، نظارتی و تعقیبی تقسیم می شوند و از جمله شامل مراجع تعقیبی اند. این مراجع به صدور آرای انضباطی اداری یا صنفی می پردازند که نقض آرای مربوطه در مراحل تجدیدنظر یا فرجامی از سوی نهادهای صلاحیت دار، این پرسش را به ذهن متبادر می سازد که در آن صورت، حیثیت کارمند و عضو صنفی ذی نفع، حقوق استخدامی و صنفی او چه می شود؟ آیا اعاده حیثیت به نحو مقرر در قانون اساسی و متون کیفری، درباره ی اشخاص اخیر نیز قابل استناد است یا خیر؟ در راستای پاسخ به این پرسش باید گفت که به دلیل نپرداختن صریح به آن تأسیس حقوقی در آن مراجع، منصفانه بودن رسیدگی ها و برخی الزامات مقرر در سیاست های کلی نظام اداری، تحت الشعاع قرار می گیرد. از این رو بایستی قوانین مربوطه در راستای تدارک و تسهیل اعاده حیثیت، تغییر کنند. عموم کارمندان و وابستگان صنفی و متولیان مراجع شبه قضایی تعقیبی در زمره ی بهره وران پژوهش حاضرند که در قالب روش کتابخانه ای و پژوهش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است.

کلیدواژگان: اعاده حیثیت، مراجع شبه قضایی، حقوق اداری.

مقدمه

مراجع شبه‌قضایی، بخش مهمی از نظام عدالت در هر کشورند و در کشور ما آن‌طور که باید و شاید در آموزش‌های حقوقی دانشگاهی، مطرح نشده‌اند. با تأکید بر این که مراجع شبه‌قضایی تعقیبی (در قالب تعقیب کارمندان اداری یا وابستگان صنفی)، نوع ویژه‌ای از آن مراجع‌اند، پرداختن به آرای صادره از آن‌ها و تأثیر آن‌ها بر حیثیت و سرنوشت ذی‌نفعان مربوطه، شایان توجه است.

پرسش بنیادین، آن است که در صورت برائت نهایی متهم در آن مراجع، آیا سازوکاری برای اعاده‌ی حیثیت وی، پیش‌بینی شده یا خیر؟ از این رو، موضوع پژوهش، صرف‌نظر از فنی بودن، جنبه‌ی حقوق بشری نیز دارد؛ زیرا عدم اعاده‌ی حیثیت از متهمان مربوطه به‌ویژه آنان که با اتهامات مالی یا اخلاقی رو به رو بوده‌اند، لطمه‌ی جبران‌ناپذیری به آبروی آن متهمان و خانواده و بستگان آنان دارد و امنیت اخلاقی و روانی آنان در محیط کار و زندگی‌شان را به مخاطره می‌افکند و چه بسا مانع استخدام آنان در آزمون‌های دیگر یا کامیابی در ارتقای شغلی و کاری‌شان شود.

با گسترش اختیارات دادگاه‌ها و مراجع اداری، امکان تعرض به حقوق شهروندان در روند رسیدگی‌ها نیز، افزایش یافته و به تبع آن، پاسداری از حرمت و کرامت آنان به یکی از دغدغه‌های اصلی، تبدیل شده است. از این رو، «اعاده‌ی حیثیت»^۱ به مثابه شیوه‌ای برای جبران خسارت وارده بر آنان، مورد توجه و شناسایی، قرار گرفت. برخی از نویسندگان، آن را بازگرداندن دوباره حقوق از دست رفته‌ای دانسته‌اند که از رهگذر انتساب اتهام، سلب شده‌اند (سلطانی، ۱۳۹۱: ۸۴). هرچند از آن مفهوم در نظام حقوقی کشور، تعریفی به عمل نیامده اما آن را باید سازوکاری برای بازگشت دوباره‌ی محکوم‌علیه به آغوش جامعه یا صنف مربوطه پس از رفع اتهامات وارده دانست. اهمیت اعاده‌ی حیثیت از شهروندان محکوم تا بدان پایه است که در قانون اساسی نیز بدان پرداخته شده؛ به‌طوری که لزوم پاسداشت حیثیت اشخاص، موجب شده که حرمت و تعرض‌ناپذیری آن، تضمین^۲ و هرگونه تعرض به آن، جز در موارد استثنایی، ممنوع اعلام شود^۳ با این حال، قانون یاد شده، ترتیبات و الزامات کاربردی آن را مبهم گذاشته است (سلمان‌پور و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۲۹). در برابر، قانون‌گذار عادی به شناسایی و تعیین سازوکارهای اجرایی آن، توجه کامل داشته و در این راستا، محاکم قضایی موظف به رعایت این تمهید اساسی در جریان رسیدگی‌های قضایی شده‌اند.

تأسیس حقوقی «اعاده‌ی حیثیت»، نخستین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ وارد نظام کیفری کشور شد.^۴ با این حال، این مفهوم حقوقی در مراجع شبه‌قضایی - آن‌طور که باید و شاید - بیان نشده و از این رو، امکان

1. Restoration of dignity

۲. اصل بیست و دوم - حیثیت، جلال، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون آن را تجویز کند.
۳. اصل سی و نهم - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندان یا تبعید شده را به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.
۴. آن تأسیس حقوقی در مواد ۵۷، ۵۸ و ۵۹ آن قانون، بیان شده بود.

خداشه‌دار شدن حیثیت اشخاص ذی‌نفع، وجود دارد. بر این اساس در آن مراجع^۱ که به مثابه ابزاری برای استقرار حاکمیت قانون در دستگاه‌های اجرایی، پایه‌گذاری و به حل و فصل اختلافات پدید آمده میان اداره و اشخاص موضوع آن می‌پردازند (طجرلو و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۵)، ردپایی از آن مفهوم به چشم نمی‌خورد. فهم این موضوع از آن رو، اهمیت دارد که برخی نویسندگان، عدم پیش‌بینی آن را از موانع احتمالی حق بر استخدام و ورود به خدمت دولتی (به عنوان یکی از حقوق اجتماعی)^۲ دانسته‌اند (عبداللهی، ۱۳۹۹: ۱۹۶) از این رو، عده‌ای، پیش‌بینی اعاده‌ی حیثیت را در زمره‌ی شایسته‌ترین ترتیبات حقوقی برای کاهش آثار زیان‌بار ناشی از تحمل کیفر و تنبیهات اداری غیرعادلانه برشمرده‌اند (عینی، ۱۳۸۵: ۳۷). در آن مفهوم، اعاده در دعاوی بین‌المللی ناظر به جبران ستم‌های وارده بر ملت‌های تحت استعمار نیز، مطرح شده است (Collste, 2010: 85).

در پژوهش پیش‌رو، در قالب توصیفی-تحلیلی به این پرسش اساسی پاسخ داده می‌شود که اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی ایران در چه جایگاهی قرار دارد و در آن مراجع چگونه اعمال می‌شود؟ به نظر می‌رسد که در قوانین و مقررات مربوط به مراجع شبه‌قضایی کشور به آن چندان توجهی نشده و این امر به مخدوش شدن اصول دادرسی منصفانه در آن مراجع می‌انجامد.

در باره پیشینه‌ی پژوهش، اگرچه درباره مفهوم و کارکرد اعاده‌ی حیثیت در بستر حقوق کیفری، پژوهش‌هایی مانند «بررسی مبانی فقهی اعاده‌ی حیثیت در امور کیفری» (حیدری دهقانی، فرانک و نوزری، محمد)، «اعاده‌ی حیثیت در حقوق، فقه و اخلاق اسلامی» (جوادی، محمدحسن و دیگران)، «تحولات تقنینی اعاده‌ی حیثیت در نظام کیفری ایران» (سلمان‌پور، علی و کاظمی، حسن)، «چالش‌های اعاده‌ی حیثیت در فضای مجازی» (غلامی، علی و پیرهادی، مسعود) و ... صورت گرفته اما به‌طور ویژه و متمرکز، وجود و کارکرد آن در مراجع شبه‌قضایی، بررسی نشده و از این حیث، پژوهش حاضر، بدیع و برای اشخاص ذی‌نفع و اولیای امور، جنبه‌ی کاربردی دارد.

۱. گفتار نخست: مفهوم اعاده‌ی حیثیت

حیثیت به معنی شرف، اعتبار و آبرو (معین، ۱۳۸۵: ۳۶۸) و «اعاده‌ی حیثیت» به بازگرداندن اعتبار و اهلیت از دست رفته، تعبیر شده و اساساً با برداشتن مجازات‌ها و رفع آثار محکومیت کیفری، صورت می‌پذیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵۹). از این رو، آن مفهوم به معنای دستیابی مجدد به حرمت و آبروی سلب شده‌ای دانسته شده که به استناد معیارهای قانونی از دست رفته (جوادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶) و یا صرفاً با تکیه بر برخی احتمالات، فرد یا افرادی

۱. مراجع اداری اختصاصی با عناوینی، مانند مراجع «غیردادگستری»، «شبه قضایی» و «غیرقضایی» نیز نامیده می‌شوند. در پژوهش حاضر از آن‌ها به «مراجع شبه قضایی»، یاد شده است.

۲. حق استخدام شهروندان به عنوان یکی از حقوق اجتماعی مقرر در بند «ج» ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بندهای «الف» و «ب» ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ است.

در مظان اتهام قرار گرفته و با پیدایش همین تردیدها، وادار به پاسخ‌گویی در برابر قضاوت‌های ناصحیح همکاران و بلکه جامعه می‌شوند. لذا این مفهوم عموماً متعاقب انتساب اتهام یا اتهاماتی واهی به فرد یا افراد، نمود یافته و با اثبات بی‌گناهی آنان، موضوعیت پیدا می‌کند (حیدری و جعفری، ۱۳۹۹: ۱۰۲). از منظری دیگر: «اعاده‌ی حیثیت، تأسیس حقوقی است که با الغای محکومیت از سجل قضایی (کیفری شخص) باعث سقوط مجازات تبعی و زوال محکومیت کیفری شده و حقوق موقعیت‌های قانونی را به شخص باز می‌گرداند. بنابراین با نیل شخص به اعاده‌ی حیثیت، آثار محکومیت سابق ملغی و او همانند یک ناکرده بزه و شهروند عادی، اهلیت اجرای تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی خود را باز می‌یابد» (عینی، ۱۳۸۵: ۳۷). از این رو، تأسیس اعاده‌ی حیثیت معمولاً از اولین مطالباتی است که بلافاصله با تبرئه متهم از اتهامات انتسابی واهی و دور از واقعیت و پاک شدن آثار اتهامات غیرواقعی از سجل و سوابق قضایی در اذهان، متبادر می‌شود. با این حال برخی صرف تبرئه شدن متهم را موجب تحقق اعاده‌ی حیثیت ندانسته‌اند بلکه عملی شدن این موضوع را با جبران خسارت معنوی وارده بر او عملی محسوب کرده‌اند (حیدری دهقانی و نوذری، ۱۳۹۷: ۵۱) اما نباید با «اعاده‌ی حقوق اجتماعی»، یکسان انگاشته شود؛ زیرا اعاده‌ی حقوق اجتماعی، مربوط به مجرمانی است که پس از انقضای مدت زمان مشخص از زمان ارتکاب به اعمال مجرمانه یا اجرای مجازات از پیشینه کیفری مجرم، پاک می‌شوند اما اعاده‌ی حیثیت، اشخاصی را در بر می‌گیرد که اصلاً مرتکب جرمی نشده‌اند و یا در صورت انتساب اتهام، عدم ارتکاب جرم از سوی آن‌ها در مراجع قضایی یا شبه‌قضایی، محرز شده است.^۱

قانون اساسی به دلیل اهمیت بالای اعاده‌ی حیثیت در اصل یکصد و هفتاد و دوم به آن پرداخته و امکان اعاده‌ی آن در برابر اشتباهات عمدی و غیرعمدی مقام قضایی را تضمین کرده؛ بدین معنا که اگر قاضی در اثر تقصیر یا قصور از رهگذر اشتباه در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر موارد خاص، زیانی به کسی وارد کند، علاوه بر جبران این خسارت، حسب مورد توسط مقصر یا دولت، اعاده‌ی حیثیت از متهم، اجتناب‌ناپذیر است.^۲ بر اساس سند امنیت قضایی نیز: «حق اعاده‌ی حیثیت و باز اجتماعی شدن محکومان حق همه محکومان است که پس از اجرای حکم به زندگی شرافتمندانه خود بازگردند و از همه حقوق شهروندی به‌ویژه اشتغال به کار برخوردار شوند. محرومیت اجتماعی هر محکوم جز در موارد مصرح قانونی و در حدود و زمان تعیین شده، ممنوع است. به منظور تأمین امنیت و منافع خانواده و سایر افراد جامعه و حمایت از فرد در روابط با اجتماع با هدف توانمندسازی زندانی آزاد شده هم‌گام با تحولات اجتماعی از همان آغاز محکومیت باید به آینده زندانی پس از خروج از زندان، توجه شود. در این راستا، مراکز و سازمان‌های رسمی دولتی یا بخش خصوصی با همکاری یکدیگر، صلاحیت بازیابی جایگاه اجتماعی

۱. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی قوه قضائیه در: (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۸/۲۸) <http://www.farhangonline.ir/article/4034/>

۲. اصل یکصد و هفتاد و یکم- هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

شخص تا مدت زمان معینی پس از آزادی از حبس را دارند» (ماده ۲۸ سند امنیت قضایی، مصوب ۱۳۹۹/۷/۱۶ رئیس قوه قضائیه).

اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی تعقیبی از آن رو، اهمیت دارد که آن مراجع، منشأ صدور تصمیمات و آرای هستند که حسب مورد در صورت نقض در مراحل درون سازمانی یا دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری، آثار جبران‌ناپذیری بر روان، حیثیت، اعتبار، خانواده و محل کار متهمان مربوطه دارد. آثار یاد شده به‌ویژه در تخلفات اخلاقی، مالی، سیاسی و امنیتی، بیشتر دیده می‌شود.

۲. گفتار دوم: شناخت مراجع شبه‌قضایی

مراجع شبه‌قضایی^۱ به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شوند:

۲.۱. بند نخست: از حیث گستره

آن مراجع از حیث گستره به دو نوع، تقسیم می‌شوند:

مراجع شبه‌قضایی دولتی که در ذیل قوای سه‌گانه و به‌ویژه، قوه مجریه، قرار دارند.

مراجع ذیل قوه مجریه، مانند هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح، کمیسیون‌های شهرداری، هیأت‌های انتظامی رسیدگی به تخلفات در قانون مقررات انتظامی و ... به فعالیت مشغول^۲ و از قوه قضائیه، مستقل‌اند (طجرلو و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰). مراجع ذیل قوه قضائیه، مانند هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آن قوه که بر اساس قانون رسیدگی به تخلفات اداری، فعالیت می‌کنند. در قوه مقننه نیز برای نمونه، هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی در مقام رسیدگی به تخلفات کارکنان اداری آن نهاد به تعقیب اداری آنان می‌پردازد (ماده ۲۸ قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۲). مراجع شبه‌قضایی غیردولتی نیز در نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مأمور به خدمات عمومی؛ مانند کانون وکلا (موضوع بخش پنجم آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری) یا نهادهای صنفی مشمول قانون اصناف (کمیسیون نظارت موضوع ماده ۴۸ قانون نظام صنفی کشور و هیأت عالی نظارت موضوع ماده ۵۳ همان قانون)، فعال‌اند.

۲.۲. بند دوم: از حیث کارکرد

آن مراجع از حیث کارکرد به چهار نوع تشخیصی، نظارتی، ترافی و تعقیبی، تقسیم‌بندی می‌شوند:

1. Semi- Judicial bodies

2. برای مشاهده، رجوع کنید به پایگاه خبرگزاری صدا و سیما، قابل مشاهده در: (آخرین بازدید ۱۴۰۰/۸/۲۷)

مراجع تشخیصی، صلاحیت تشخیص وقوع یک پدیده یا واقعه را دارند؛ مانند کمیسیون‌های تشخیص مصادیق شهید، جانباز یا ایثارگر در نیروهای مسلح (کمیسیون‌های موضوع مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون ارتش، ۱۴۰ و ۱۴۱ قانون استخدام نیروی انتظامی و ۱۳۴ و ۱۳۵ قانون سپاه).

مراجع نظارتی، صلاحیت نظارت کلی بر درستی و قانون‌مندی یک تصمیم را دارند؛ مانند هیأت عالی نظارت مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری (موضوع ماده ۲۲ همان قانون).

مراجع ترافیعی؛ مانند دادگاه‌های دادگستری ولی از رهگذر یک آیین غیرقضایی به حل و فصل اختلافات میان مردم با دولت می‌پردازند؛ مانند کمیسیون ماده صد شهرداری (موضوع کمیسیون‌های تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری) کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما (موضوع ذیل ماده ۱۵۷ قانون کار) و

مراجع تعقیبی، صلاحیت تعقیب اداری، صنفی یا انتظامی کارمند یا عضو صنفی مربوطه را دارند؛ هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان (موضوع ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری)، کمیسیون انتظامی پزشکان (موضوع ماده ۳۲ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته)، هیأت انضباطی کارکنان نیروهای مسلح (موضوع مواد ۴ و ۱۵ قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح)، شورای انضباطی دانشجویان (موضوع ماده ۳ و تبصره ۶ همین ماده از آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی)، هیأت انتظامی سردفتران (موضوع فصل چهارم قانون دفاتر رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران)، کارشناسان رسمی دادگستری (موضوع ماده ۲۱ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری) یا کمیته انضباطی فوتبال (موضوع فصل دوم ماده آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران) و ... در زمره مراجع یاد شده‌اند. در پژوهش پیش‌رو به دلیل صلاحیت ذاتی و قانونی مراجع اخیر در تعقیب کارمند یا عضو صنفی مربوطه، اعاده‌ی حیثیت، مترتب بر آرا و تصمیمات آن‌ها است.

۳. گفتار سوم: چگونگی اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی

باید دید که آیا اصولاً اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی (تعقیبی)، بیان شده یا نه؟ در زیر به این پرسش می‌پردازیم:

۳.۱. بند نخست: در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

هیأت‌های یاد شده - به مثابه عام‌ترین مراجع شبه‌قضایی تعقیبی - برای نظارت اداری بر کارمندان دولت، پدید آمده و به مجموعه‌ای از تخلفات مالی، اداری، اخلاقی، سیاسی و امنیتی و ... (موضوع تخلفات احصاء شده در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری) به عنوان خط قرمزهای رفتاری کارمندان می‌پردازند.

نظر به آن که آن تعقیب‌ها در صورت نقض در مرحله تجدیدنظر آن هیأت‌ها، (موضوع تبصره ۱ ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری)، هیأت عالی نظارت یا دیوان عدالت اداری (موضوع ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری)، مبنایی برای خدشه به آبرو و حیثیت کارمند مربوطه است و برخی از این تصمیمات، کارمند را برای مدت معین (انفصال موقت) یا همیشه، (اخراج، انفصال دائم) از حقوق اجتماعی، محروم می‌سازد؛ پیش‌بینی اعاده‌ی حیثیت برای تسهیل بازگشت او به محیط اداری و استمرار حق بر استخدام وی، لازم است.

از سوی دیگر، ضرورت به کارگیری شاخصه‌های اصول دادرسی منصفانه، تنها ویژه مراجع قضایی دادگستری نیست؛ زیرا امکان تضييع حقوق کارمندان به عنوان مهم‌ترین سرمایه آن‌ها در مراجع شبه‌قضایی نیز، وجود دارد (درویشوند، ۱۳۸۸: ۱۵۶). برای نمونه در صورت محکومیت کارمند به یکی از این تنبیهات اداری مقرر در آن قانون، این قضیه در خلاصه وضعیت خدمتی و استخدامی وی نیز، ثبت می‌شود. از این رو، این احتمال وجود دارد که عدم تعیین تکلیف تنبیهات ثبت شده در سوابق خدمتی کارمند، علاوه بر خدشه‌دار کردن حیثیت و حرمت مستخدم در هنگام اعطای امتیازات و انتصابات و طی مسیر ارتقای شغلی وی، آثار منفی خود را بروز داده و حتی در صورت انتقال مستخدم به دستگاه یا سازمانی دیگر و یا در صورت استخدام مجدد در سایر دستگاه‌های اجرایی (در صورت اخراج کارمند از دستگاه متبوع)، موانعی جدی پیش روی داوطلب استخدام در دولت یا غیردولت، پدید آورد. در این راستا، قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، امکان اعاده‌ی حیثیت و حقوق اجتماعی محکومان پس از انقضای مدت‌های قانونی مقرر شده را تضمین کرده است (تبصره‌های ماده ۲۵). از این رو، اخذ وحدت ملاک از قانون یاد شده در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات نیز، لازم است. این امر در قوانین مربوط به مراجع شبه‌قضایی، مغفول مانده و کارمند اداره، لاجرم باید تبعات منفی سوابق تنبیهاتی را که تنها در راستای اصلاح وی، اعمال شده تا زمان پایان خدمت خود، تحمل کند. شاید در وهله نخست، این طور، برداشت شود که با الهام از الزامات مقرر در قانون مجازات اسلامی به طریق اولی بتوان تخلفات انضباطی و اداری ثبت شده در پرونده خدمتی کارمند را نیز پس اجرای آرای مراجع شبه‌قضایی، مشمول مرور زمان دانست. اما فقدان ترتیبات قانونی مشخص در این زمینه، باعث شده که آن تخلفات، بدون تغییر، باقی مانده و آیین اعاده‌ی حیثیت در این دسته از قوانین به وادی فراموشی سپرده شود. اگرچه «هتک حیثیت» در شمار تخلفات اداری (بند ۴ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری)، قرار دارد، قانون‌گذار هیچ‌گونه تضمینی در راستای اعاده‌ی حیثیت کارمند برائت یافته در مواقع لزوم در این قانون در نظر نگرفته است. با این وجود بر اساس ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری^۱ و تبصره آن^۲ در صورت فوت کارمند، اعمال

۱. ماده ۳۱- فوت متهم موجب توقف رسیدگی و صدور رأی می‌شود و در صورتی که کارمند در طول تحمل مجازات‌های بندهای «ج»، «د» و «ز» ماده (۹) قانون فوت شود اعمال مجازات یاد شده متوقف شده و حالت استخدامی کارمند از زمان فوت به حالت قبل از تعیین مجازات اعاده می‌شود...

۲. تبصره ماده ۳۱- در صورتی که مستخدم به استناد ماده (۱۷) قانون اخراج شده باشد و بعد از اعتراض به حکم مزبور و قبل از رسیدگی توسط هیأت تجدید نظر فوت کند، آثار حکم اخراج زایل و حالت کارمند به قبل از تعیین مجازات، اعاده می‌شود.

برخی مجازات‌ها متوقف شده و حالت استخدای کارمند از زمان فوت به حالت پیش از تعیین مجازات، بازگردانده می‌شود. بنابراین، تنها در صورت فوت وی، پرونده استخدای او از وجود آثار محکومیت‌های اداری، پاک می‌شود در حالی که این امر می‌بایست در زمان حیات و به‌ویژه در دوره خدمتی وی، روی می‌داد.

این قانون درباره ترتیبات اعاده‌ی حیثیت در صورت حصول براءت او در مرحله بدوی و تجدیدنظر نیز، ساکت است. در برابر، برخی تضمینات اداری و استخدای دیده می‌شود: «چنانچه کارمند پس از رسیدگی در هیأت‌ها براءت حاصل نماید، فوق‌العاده شغل یا مزایای شغل یا عناوین مشابه دوران آمادگی به خدمت بر اساس آخرین حقوق و مزایای قبل از این دوران، پرداخت می‌شود» (تبصره ۲ ماده ۱۲ همان قانون).

ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار در صورت تبرئه کارمند متهم از تخلف یا تخلفات ارتكابی صرفاً به امکان اعاده و پرداخت حقوق و مزایای شغلی - که مستخدم به سبب اتهامات وارده بر او از آن‌ها محروم شده بوده - تأکید کرده و به اعاده‌ی حیثیت و نحوه اقدام اداره مربوطه در این باره نپرداخته است.

۳.۲. بند دوم: در قوانین انضباطی نیروهای مسلح

قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی) نیز با وجود پیش‌بینی صلاحیت‌های فراوانی برای اعضا این هیأت‌ها^۱، الزامات مربوط به اعاده‌ی حیثیت را مغفول گذاشته و پیگیری آن توسط ذی‌نفعان را به‌طور ضمنی به مراجع قضایی، محول کرده است (موضوع ماده ۲۱ همان قانون). البته، علاوه بر بیان کارویژه آن هیأت در رسیدگی به تخلفات کارکنان، امکان طرح شکایت از فرماندهان، رؤسا و مدیران در قانون مزبور، فراهم شده^۲ که زمینه عملی شدن موضوع اعاده‌ی حیثیت را برای کارکنان در این نیروها از حیث نظری، امکان‌پذیر می‌کند. بنا به آن مراتب، قانون یاد شده از این منظر در مقایسه با قانون رسیدگی به تخلفات اداری، پیشرفته‌تر است. با این حال، ترتیبات شفافی درباره امکان امحای تنبیهات اعمال شده در پرونده استخدای آنان - به عنوان ابزار اعاده‌ی حیثیت - مقرر نشده و همین ابهامات، صلاحیت هیأت‌های مندرج در این قانون برای تحقق اعاده‌ی حیثیت ذی‌نفعان را زیر سؤال برده است. از این رو با توجه به شرایط ویژه خدمتی اعضای این نیروها، بایستی با تغییر آن قانون و پیش‌بینی صریح امکان اعاده‌ی حیثیت از لزوم مراجعه کارکنان ذی‌نفع به مراجع دادگستری، جلوگیری کرد.

فارغ از آن بر اساس تبصره ذیل ماده ۲۳ آن قانون: «... چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر منع تعقیب یا براءت باشد، هیأت صادر کننده رأی قطعی می‌تواند مجدداً به موضوع رسیدگی و در مورد وضعیت خدمتی فرد، رأی صادر

۱. حدود صلاحیت‌های این هیأت‌ها در ماده ۵ آن قانون، پیش‌بینی شده است.

۲. موضوع ماده ۵۱ همان قانون.

کند». آن طور که پیداست، ترتیبات مقرر در این تبصره نیز در راستای منافع متهم، وضع نشده؛ زیرا رأی برائت صادره از سوی دادگاه بایستی برای مراجع شبه‌قضایی نیز، الزام‌آور باشد و از رسیدگی دوباره به قضیه، خودداری و به این ترتیب، حیثیت از دست رفته کارمند، اعاده شود و از سوی دیگر، بازگشت وی به زمان پیش از تعقیب انضباطی، امکان‌پذیر شود.

۳.۳. بند سوم: در مراجع انتظامی اعضای هیأت علمی

در قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ نیز، اعاده‌ی حیثیت محکومان در هیأت‌های انتظامی مربوطه، مغفول مانده است. البته برخی از الزامات مقرر در مواد این مقررات قانونی، مانند تبصره تبصره ۱ ماده ۱۱، ماده ۱۸^۲ و ماده ۱۹^۳ را می‌توان در راستای توجه قانون‌گذار به اعاده‌ی حیثیت یا اهدافی نزدیک به آن برای جلوگیری از تضییع حقوق استخدامی آنان دانست اما اعاده‌ی حیثیت به روشنی، بیان نشده است.

۳.۴. بند چهارم: در مقررات انضباطی دانشجویان

دانشجویان به عنوان اعضای یک صنف ویژه، مشمول قواعد مقرر در آیین‌نامه انضباطی‌اند.^۴ محکومیت‌های آنان از تنبیهات کم‌اهمیت تا تعلیق تحصیل و اخراج از دانشگاه را در بر می‌گیرد (قسمت تنبیهات ذیل ماده ۶ همان). شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان (مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۷ وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به‌طور ضمنی، ترتیباتی برای اعاده‌ی حیثیت دانشجویان محکوم، پس از گذشت مدت زمان‌های ویژه، مقرر کرده است. بر آن اساس:

تنبیهات بندهای ۴ تا ۸ شیوه‌نامه، یک سال و بندهای ۹ تا ۱۲ دو سال، بندهای ۱۳ و بالاتر، پنج سال، پس از دانش‌آموختگی از سوی دبیرخانه شورای انضباطی دانشگاه، امحا می‌شوند (ماده ۱۱۷ شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۳۹۸). تنبیهات بندهای ۱ تا ۳ و نیز تنبیهات تعلیقی در پایان تحصیل، خود به خود، امحا می‌شوند (تبصره ۱ همان). امحای آثار تنبیهاتی که تعلیق آن‌ها ممنوعیت دارد با تأیید شورای مرکزی انضباطی، امکان‌پذیر است (تبصره ۴ همان).

۱. تبصره ۱ -استخدام این گونه افراد در دانشگاه‌ها یا مؤسسات تحقیقاتی دیگر، بلامانع است.
۲. استخدام مجدد در افراد بازخرید شده موضوع ماده (۴) این قانون، در سایر مؤسسات دولتی برای مشاغل غیرآموزشی بلامانع است، مشروط بر این که کلیه وجوه دریافتی مدت بازخریدی را یک جا مسترد نمایند.
۳. هرگاه وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشخیص دهد که در یکی از مؤسسات آموزش عالی به یکی از اعضاء هیأت علمی نیاز است که توسط هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر بازسازی نیروی انسانی به علت غیبت، اخراج یا منفصل شده است آن عضو با تشخیص هیأت‌های تجدیدنظر و به شرط آن که مشمول موارد مشروحه در ماده ۱۲ این قانون نباشد، می‌تواند به خدمت اعاده شود.
۴. بر اساس آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجموعه‌ای از تخلفات اداری، مالی، اخلاقی، سیاسی و امنیتی در مورد دانشجویان شاغل به تحصیل، مقرر شده است.

۴. گفتار چهارم: چالش‌های عملی اعاده‌ی حیثیت

برخی از چالش‌های اعاده‌ی حیثیت در زیر، بیان می‌شوند:

۴.۱. بند نخست: مهلت شکایت

در قوانین کیفری با آن که درباره اعاده‌ی حیثیت، ترتیبات مفصلی، پیش‌بینی شده اما درباره مهلت‌های زمانی لازم برای طرح، پیگیری و مطالبه آن، تصریحی وجود ندارد و از این رو، ذی‌نفعان در عمل با بلاتکلیفی مواجه می‌شوند. این رویه در قوانین و مقررات مربوط به مراجع شبه‌قضایی نیز، حاکم است. بنابراین قانون‌گذار بایستی در راستای احقاق حقوق کارمند یا عضو نهاد صنفی مربوطه، مواعد زمانی مشخص برای طرح این خواسته را تعیین کند. به نظر می‌رسد که به مجرد براءت متهم در رسیدگی‌های شبه‌قضایی و قابلیت اثبات سوء نیت شاکی مربوطه، حق بر اعاده‌ی حیثیت، قابلیت اجرا دارد.

۴.۲. بند دوم: ضمانت اجرا

با وجود تصریح به اعاده‌ی حیثیت در قانون اساسی، احکام صریحی درباره آن در قوانین مربوط به مراجع شبه‌قضایی، وجود ندارد. به طریق اولی، سازوکارها و ترتیبات قانونی آن نیز در این دسته از مراجع، بیان نشده است. لذا به استناد اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی، قاضی موظف به رسیدگی به دعوا و صدور حکم مقتضی است.^۱ از این رو در راستای زدودن ابهامات موجود به ناچار بایستی به قوانین عام کیفری، مراجعه کرد. به عنوان نمونه، ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ احکام صریح و شفاف برای تحقق اعاده‌ی حیثیت، مقرر کرده است: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آن‌ها حسب مورد، محکوم خواهد شد.» علاوه بر آن، ماده ۶۹۸ آن قانون به ضرورت جبران زیان مادی و معنوی و اعاده‌ی حیثیت زیان‌دیده، اشاره دارد.^۲ از این رو، آن مواد را بایستی از جمله الزامات قانونی در مقام تضمین آن شمرد.

۱. اصل ۱۶۷ - قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم، امتناع ورزد.

۲. ماده ۶۹۸ - هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه، محکوم شود.

۴.۳. بند سوم: انتقال به ورثه

با فوت کارمند یا عضو صنفی مربوطه، پیش از برائت قطعی از تعقیب اداری یا صنفی، حق بر اعاده‌ی حیثیت وی به ورثه او، انتقال می‌یابد. اگرچه قوانین و مقررات جاری در این باره، تصریحی ندارند اما با الهام از اقدام قانون‌گذار به تعمیم حمایت قضایی از کارمندان متوفی به ورثه آنان^۱ و استناد به لزوم برقراری عدالت و اعاده‌ی حیثیت و آرامش روانی به بازماندگان متوفی، چنین ادعایی موجه به نظر می‌رسد.

۴.۴. بند چهارم: شیوه‌ها

با توجه به پیش‌بینی نشدن الزامات قانونی درباره اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی بایستی با مراجعه به قوانین عام و سایر قوانین و مقررات پراکنده به تحقق آن پرداخت:

اول: شکایت به افترا در دادگاه کیفری

اصولاً اعاده‌ی حیثیت بایستی بر اساس دعوای افترا (طبق ماده ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) علیه شاکی صورت پذیرد. علاوه بر آن، اثبات سوء نیت شاکی در پرونده منتهی به برائت متهم، لازم است. این امر از رهگذر اثبات مجعول یا ساختگی بودن دلایل و اسناد و مدارک استنادی علیه متهم در آن پرونده یا تبانی با نهاد تعقیب کننده و ... به عمل می‌آید.

به نظر می‌رسد که در صورت تعقیب متهم اداری یا عضو صنفی بنا به گزارش مدیران یا نهادهای نظارتی مانند دیوان محاسبات کشور^۲ یا سازمان بازرسی کل کشور^۳ یا بر اساس شکایت اشخاص حقیقی، اعم از کارمند و غیر آن در اجرای الزامات مقرر در قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی) یا قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و ... قابلیت طرح دعوای اعاده‌ی حیثیت به تبع اثبات سوء نیت شخص یا نهاد افشا کننده فساد و منشأ تعقیب اداری و صنفی پیشین، منتفی است.

در هیچ یک از قوانین مراجع شبه‌قضایی وابسته به سازمان‌های کشوری و لشکری و نیز مراجع مربوطه در بخش‌های غیردولتی، اعاده‌ی حیثیت به روشنی، مقرر نشده؛ به‌طوری که کارمند دولت و یا وابستگان صنفی دیگر در صورت قرار گرفتن در مظان تهمت و افترا یا صدور احکام در مراجع شبه‌قضایی تعقیبی و نقض بعدی آن آرا به ناچار بایستی به طرح دعوا بر علیه فرد یا شخص مفتتری، حسب مورد در دادسرای عمومی یا دادسرای کارکنان دولت - حسب شأن

۱. ماده واحده قانون حمایت قضایی از کارمندان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۶۶: تمام وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، موسسات و سازمان‌های دولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا به درخواست کارکنان خود در زمان حیات و یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت در دعوایی که از انجام وظیفه آنان ناشی می‌شود ... به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند.

۲. پیش‌بینی شده در فصل چهارم قانون اساسی (اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم) و قانون دیوان محاسبات کشور.

۳. پیش‌بینی شده در قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور.

شاکی مربوطه - اقامه دعوا کند^۱. البته با توجه به مجرمانه بودن تخلفاتی مانند ایراد تهمت، افترا و هتک حرمت (موضوع مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۸)، مراجع شبه قضایی، صلاحیت رسیدگی به درخواست اعاده‌ی حیثیت را ندارند. از این رو در سایر موارد تخلفاتی که متهم پس از اثبات بی‌گناهی، درخواست اعاده‌ی حیثیت می‌کند، بایستی قانون‌گذار، آن را در قوانین مربوطه، مورد شناسایی، قرار دهد. با این وجود، گاهی همین عناوین مجرمانه در برخی از قوانین در ردیف تخلفات اداری به شمار رفته‌اند (موضوع بند «۴» ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال ۱۳۷۲).

دوم: درج در روزنامه یا بولتن داخلی

به موجب ماده ۲۳ قانون مطبوعات: «هرگاه در مطبوعاتی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه نیز موظف است این گونه توضیحات و پاسخ‌ها را ... به چاپ برساند، به شرط آن که جواب ... متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.» همچنین بر اساس ماده ۳۰ آن قانون: «انتشار هر نوع مطلب، مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است ... تعقیب جرایم مزبور، موکول به شکایت شاکی خصوصی است ...». از این رو با وجود قابل گذشت تلقی شدن توهین و هتک حرمت و افترا، قانون‌گذار در آن قانون، نسبت به اعاده‌ی حیثیت ذی‌نفعان، بی‌تفاوت نبوده و ترتیبات قانونی لازم برای اعاده‌ی حیثیت را مقرر کرده است.

سوم: اعاده‌ی رتبه یا گروه یا رفع آثار تنبیهات

اعاده‌ی حقوق و امتیازات استخدامی و صنفی کارمند یا عضو صنفی مربوطه - که محکومیت آنان نهایتاً از سوی مراجع صلاحیت‌دار، نقض شده - یکی از شیوه‌های اعاده‌ی حیثیت آن‌ها است. این امر در برخی از متون قانونی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و مراجع شبه قضایی به استناد آن به اعاده‌ی حیثیت و احقاق حقوق کارمند یا عضو صنفی مربوطه می‌پردازند (تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری). علاوه بر آن در برخی از قوانین ویژه نیروهای مسلح، نشانه‌هایی از ترتیبات مربوط به اعاده‌ی حیثیت دیده می‌شود؛ قانون‌گذار با تصریح به «رفع تنبیهات»^۲ به عنوان یکی از مصادیق تشویق کارکنان در راستای اعاده‌ی حیثیت کارکنان، گامی رو به جلو برداشته (بند «ط» ماده ۱۰۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی) که نوعی نوآوری و متفاوت از رویه مقرر در قوانین استخدامی عمومی است.

۱. رک: خبرگزاری میزان، قابل مشاهده در: (آخرین تاریخ بازدید ۱۴۰۰/۸/۲۹) <https://www.mizan.news/fa/news/66614/%DA%86%D9%87-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87%E2%80%8C>

۲. این ابزار تشویقی در بند «ط» ماده ۱۱۰ قانون مقررات استخدامی سپاه نیز به چشم می‌خورد ولی در مقررات قانون استخدام نیروی انتظامی، مغفول مانده است.

۴.۵. بند پنجم: تأثیر پذیرش اعاده‌ی دادرسی قضایی بر اعاده‌ی حیثیت در مراجع

شبه‌قضایی

با لحاظ آن که اعاده‌ی دادرسی در مراجع قضایی، شیوه‌ای برای تحقق اعاده‌ی حیثیت متهمان ذی‌نفع در آتیه به شمار می‌رود در پاسخ به این که آیا پذیرش اعاده‌ی دادرسی در مراجع قضایی الزاماً به پذیرش آن در مراجع شبه‌قضایی نیز می‌انجامد یا خیر؟ باید خاطر نشان کرد که از منظر اصول عدالت و رسیدگی منصفانه و ضرورت ترجیح رسیدگی عمیق، ماهوی و طولانی قضایی بر تعقیب اختصاری و کوتاه‌مدت در مراجع شبه‌قضایی، پاسخ مثبت است اما در عمل، قوانین و مقررات اداری به این امر، تصریحی نکرده‌اند و تنها در برخی مقررات قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مواد ۱۹ و ۲۴)، انحصاراً صدور رأی به براءت در رسیدگی قضایی، آن هم مشروط به اعلام اشتباه در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات و موافقت هیأت عالی نظارت می‌تواند بر رأی آن هیأت‌ها اثر گذاشته و براءت را در این بخش نیز جاری و ساری کند.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار در شناسایی نهاد اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی به عنوان یکی از شاخصه‌های تضمین حقوق فردی و اجتماعی اشخاص و حقوق معنوی آنان به‌طور غیرقابل اغماضی، کوتاهی کرده است؛ زیرا شمار فراوانی از تعقیب‌های اداری در مراجع شبه‌قضایی مربوط به کارمندان، کارکنان نیروهای مسلح و اعضای هیأت علمی و بسیاری دیگر از موارد تعقیب صنفی در مراجع شبه‌قضایی غیردولتی، شامل دانشجویان، پزشکان، مهندسان، وکلا و ... جزو صلاحیت آن مراجع‌اند که بی‌توجهی به اعاده‌ی حیثیت در آن‌ها احتمال خدشه‌دار شدن حرمت آنان را بیش از پیش، افزایش می‌دهد. از این رو، پیش‌بینی آن تأسیس حقوقی از اولویت‌های اصلی قانون‌گذار به شمار می‌رود؛ به‌طوری که نبود آن به عنوان یک خلأ حقوقی، پایه‌های اصول دادرسی منصفانه را متزلزل می‌کند.

صرف‌نظر از تأکیدات قانون اساسی درباره لزوم تضمین اعاده‌ی حیثیت در مراجع کیفری، لزوم عادلانه بودن رسیدگی‌های مراجع شبه‌قضایی و رعایت موازین دادرسی منصفانه در آن‌ها، اطلاق برخی عبارات مندرج در سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی مقام رهبری (مصوب ۱۳۸۹/۱/۳۱ مقام رهبری) مانند: «تنظیم روابط و مناسبات اداری بر اساس امنیت روانی، اجتماعی... آحاد جامعه» (بند ۲۲ همان) و «حفظ حقوق مردم و جبران خسارت‌های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر قصور یا تقصیر در تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و مقررات در نظام اداری» (بند ۲۳ همان)، تصریح به خسارت معنوی در متون کیفری، لزوم تصریح به آن و توسعه ابزارهای اداری-استخدامی و صنفی برای استناد به آن را بیش از پیش، موجه می‌سازد.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود که:

۱. تخلف «ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت» به نحو مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری در سایر قوانین مربوط به مراجع شبه‌قضایی، مورد توجه قرار گیرد.
۲. ترتیبات اعمال اعاده‌ی حیثیت در برابر وقوع آن عمل متخلفانه، مقرر شود؛ به‌طوری که دیگر نیازی به ارجاع پرونده از مراجع شبه‌قضایی به مراجع قضایی نباشد.
۳. استرداد رتبه، گروه و رفع تنبیهات و حذف مجازات‌های اعمال شده از پرونده خدمتی کارمند یا عضو صنفی مربوطه، پس از انقضای مدت زمان ویژه، امکان‌پذیر شود.
۴. مواعد زمانی مشخص و قاعده‌مند برای اعمال و پیگیری مؤثر اعاده‌ی حیثیت در مراجع شبه‌قضایی و فراهم ساختن امکان اعتراض به آرای غیرمنصفانه در این زمینه، تعیین شود.
۵. سازوکارهای قانونی برای امکان پیگیری اعاده‌ی حیثیت از جانب وراثت، بستگان و یا سایر نمایندگان کارمند یا عضو صنفی متوفی، فراهم شود.
۶. نهادهای تجدیدنظر یا فرجامی؛ مانند دیوان عدالت اداری در صورت نقض آرا و تصمیمات صادره از مراجع شبه‌قضایی، صلاحیت اعاده‌ی حیثیت از متهم از رهگذر الزام به استرداد حقوق و مزایای اداری وی را داشته باشند. از یک منظر مخالف، اعاده‌ی حیثیت، مبتنی بر شکایت کیفری «افترا» و در متون کیفری مربوط به آن پرداخته شده و از این رو، بیان آن در مراجع شبه‌قضایی، سالبه به انتفاء موضوع است.
- در مجموع به نظر می‌رسد تعمیم مبانی، آثار و روش‌های اعاده‌ی حیثیت در جرایم کیفری به مجازات‌های اداری و صنفی در مراجع شبه‌قضایی به اصول دادرسی منصفانه، نزدیک‌تر است.

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هفدهم، تهران: گنج دانش.
۲. جوادی، حسن؛ قریشی، محمد؛ و بالا‌زاده، بهزاد (۱۳۹۶). *اعاده‌ی حیثیت در حقوق، فقه و اخلاق اسلامی*. مجله پژوهش‌های اخلاقی، (۲)، (فاقد دوره)، ۱۶.
۳. حیدری دهقان، فرانک؛ و نوذری، محمد (۱۳۹۷). *بررسی مبانی فقهی اعاده‌ی حیثیت در امور کیفری*. مبانی فقهی حقوق اسلامی، (۲۲)، (فاقد دوره)، ۵۱.
۴. حیدری، علی‌میراد؛ و جعفری (۱۳۹۹). *اعاده‌ی حیثیت رسانه‌ای: بررسی انتقادی انتشار حکم براءت*. نشریه رسانه، (۴)، (فاقد دوره)، ۱۰۲.
۵. درویشوند، ابوالفضل (۱۳۸۸). *دادرسی منصفانه در مراجع اختصاصی/اداری شبه‌قضایی*. مقطع کارشناسی ارشد، (فاقد محل و دانشگاه).
۶. سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۱). *مبانی فقهی نهاد اعاده‌ی حیثیت*. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، (۶)، (فاقد دوره)، ۸۴.
۷. سلمان‌پور، عباس؛ و کاظمی، حسن (۱۳۹۵). *تحولات تقنینی اعاده‌ی حیثیت در حقوق کیفری ایران*. پژوهشنامه حقوق کیفری، (۳)، (فاقد دوره)، ۱۲۹.
۸. طجریلو، رضا؛ تقوی، زین‌العابدین؛ و پشت‌دار، حسین (۱۳۹۴). *نقش و کارکرد کمیسیون رسیدگی به اختلافات ناشی از اراضی ملی از منظر اصول دادرسی منصفانه*. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، (۴۹)، (فاقد دوره)، ۱۶۰-۱۷۵.
۹. عبدالهی، افشین (۱۳۹۹). *ارزیابی مقررات مربوط به اعاده‌ی حیثیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. مطالعات حقوقی، (۲)، (فاقد دوره)، ۱۹۶.
۱۰. عینی، محسن (۱۳۸۵). *گامی کوتاه در راه اعاده‌ی حیثیت*. بررسی و نقد ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن. مجله نامه حقوقی، (۱)، (فاقد دوره)، ۳۷.
۱۱. غلامی، علی؛ و پیرهادی، مسعود (۱۳۹۶). *چالش‌های اعاده‌ی حیثیت در فضای مجازی*. نشریه دین و ارتباطات، (۲)، (فاقد دوره)، (فاقد صفحات پایانی).
۱۲. معین، محمد (۱۳۸۵). *لغت‌نامه فرهنگ فارسی معین*. چاپ اول، تهران: انتشارات گلی.

References

1. Collste, Goran (2010). Restoring the dignity of the victims'. Is global rectificatory justice feasible? Ethics and Global Politics, 3, 2, 85-98.

قوانین، مقررات و اسناد

۱. آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته (مصوب ۱۳۷۸).
۲. آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۷۴).

۳. آیین‌نامه انضباطی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۴).
۴. آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری (مصوب ۱۳۳۴).
۵. سند امنیت قضایی (مصوب ۱۳۹۹).
۶. قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد (مصوب ۱۳۹۰).
۷. قانون ارتش جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۶۶).
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی.
۹. قانون استخدام نیروی انتظامی (مصوب ۱۳۸۲).
۱۰. قانون حمایت قضایی از کارمندان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۶).
۱۱. قانون دیوان محاسبات کشور (مصوب ۱۳۶۱).
۱۲. قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۱۳۷۲).
۱۳. قانون سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۱۳۶۰ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۶).
۱۴. قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی).
۱۵. قانون کار (مصوب ۱۳۶۹).
۱۶. قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری (مصوب ۱۳۸۱).
۱۷. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).
۱۸. قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور (مصوب ۱۳۶۴).
۱۹. قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران (مصوب ۱۳۷۲).
۲۰. قانون نظام صنفی کشور (مصوب ۱۳۸۲).
۲۱. قانون دفاتر رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران (مصوب ۱۳۵۴ با اصلاحات بعدی).
۲۲. قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۹۵).